

ارکان نامه‌نگاری در مخزن‌الانشا و تطبیق آن در فرایند غیائی

سیده شکوفه اکبرزاده^۱

دکتر عبدالله رادمرد^۲

دکتر سید عباس محمدزاده رضایی^۳

چکیده

ترسل و نامه‌نگاری از مقوله‌های مهم و مورد توجه تیموریان بوده است. به‌خصوص کتاب *مخزن‌الانشا* واعظ کاشفی سبزواری که از حمایت امیر علی‌شیر نوایی، وزیر دانشمند تیموریان نیز برخوردار بوده در شمار مهم‌ترین کتاب‌های ترسل است که با تجزیه ارکان نامه‌های خطایی به دوازده رکن و نامه‌های جوابی به هفت رکن و آوردن مثال‌های متعدد در جداول منظم، ساختاری فرهنگ‌گونه پیدا کرده است. دیگر کتاب مهم ترسل در دوره تیموریان *فرایند غیائی* از یوسف اهل است که مشتمل بر بیش از ۶۵۰ نامه از سلاطین و وزرا و نیز سایر طبقات و شخصیت‌هاست و در ده باب تألیف شده است. در این مقاله ارکان نامه‌ها در *مخزن‌الانشا* را با نامه‌های موجود در *فرایند غیائی* تطبیق داده و به میزان حضور آن‌ها در نامه‌های *فرایند غیائی* پرداخته‌ایم. همچنین با تعیین انواع مخاطب در این دو اثر، شباهت‌های موجود در نحوه کاربرد عبارات و جملات را نشان داده‌ایم و در نتیجه با توجه به *مخزن‌الانشا* و تطبیق ارکان نامه‌نگاری آن با *فرایند غیائی* و همسانی انواع مخاطب در این دو اثر توانسته‌ایم ساختار نامه‌های قرن ۹ هجری و دوره‌های نزدیک به آن را نشان دهیم و مشخص کنیم که با این ساختار می‌توان ارکان نامه‌های ناقص بازمانده از این دوره‌ها را بازیابی کرد.

کلیدواژه‌ها: تیموریان، *فرایند غیائی*، *مخزن‌الانشا*، نامه‌نگاری.

مقدمه

بررسی شیوه نگارش منشآت و قواعد نامه‌نگاری در دوره‌های تاریخی متعدد از مباحث مهمی است که کمتر به آن پرداخته می‌شود در حالی که این موضوع می‌تواند راه‌گشای بسیاری

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد a.akbarzadeh@stu.um.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) radmard@um.ac.ir

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد samrezaee@ferdowsi.um.ac.ir

از ابهامات اجتماعی و فرهنگی ادوار گذشته باشد. در دوره تیموریان کتاب‌های بسیاری در مورد انشا و نامه‌نگاری تألیف شده که برخی به ساختار نامه‌ها پرداخته‌اند و گروهی نیز نامه‌های بزرگان و شخصیت‌های مطرح اجتماعی و سیاسی را در قالب نامه‌های دیوانی و غیر دیوانی جمع‌آوری کرده‌اند که از لحاظ سبک شناسی و ساختارگرایی مهم و سزاوار توجه است.

ما در این جستار با انتخاب دو کتاب مهم دوره تیموریان که یکی جنبه ساختاری دارد و دیگری حاوی نامه‌های متعدد از شخصیت‌های مهم اجتماعی است کوشیده‌ایم نوع ساختار مطرح شده در *مخزن الانشای کاشفی* (۹۰۷ ق) را در *فراید غیائی* یوسف اهل (۸۳۷ ق) که تقریباً هر دو از لحاظ زمانی نزدیک به هم هستند بررسی کنیم. بنابراین طی جداول منظم، ارکان نامه‌های *مخزن الانشا* را اساس قرار داده و بر پایه آن به تجزیه و تحلیل نامه‌های *فراید غیائی* پرداخته‌ایم و با فرض این که نامه‌های *فراید غیائی* ساختاری متناسب با *مخزن الانشا* دارد، کوشیده‌ایم به این فرض دست یابیم که تقریباً بسیاری از نامه‌های ماقبل کاشفی از ساختاری یکسان برخوردار بوده‌اند و با این حساب می‌توان با استفاده از الگو و ساختار مطرح شده در *مخزن الانشا*، نقص‌های موجود در نامه‌های باقی‌مانده از گذشتگان را نمایان کرد. همچنین با دقت در متون مورد استناد *مخزن الانشا* و تطبیق آن‌ها با *فراید غیائی* می‌توان به پاسخ این پرسش دست یافت که آیا *فراید غیائی* از منابع مورد استفاده کاشفی در تألیف *مخزن الانشا* بوده است یا خیر؟ و آیا انواع مخاطب در این دو اثر همسانی دارد و این همسانی به چه میزانی مشهود است؟

بنابراین با توجه به فرضیه‌های مطرح شده و عنایت بر این که به علت عدم تصحیح، چاپ و نشر *مخزن الانشا* تاکنون از ارکان نامبرده کاشفی در تنظیم و شناخت بخش‌های موجود نامه‌ها استفاده نشده است ابتدا به جایگاه ترسل در دوره تیموریان می‌پردازیم و سپس با معرفی *فراید غیائی* و *مخزن الانشا*، ساختار مطرح شده در کتاب کاشفی و موجودیت این ساختار در نامه‌های *فراید غیائی* را دنبال می‌کنیم.

ترسل در دوره تیموریان

منشآت‌نویسی و گردآوری نامه‌های گذشتگان از تلاش‌های برجسته در دوره تیموری است. مجموعه‌های مختلفی از این دوران درباره منشآت و قواعد نامه‌نگاری موجود است که برخی چاپ شده و برخی هم به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها موجود است و به سه گروه زیر تقسیم می‌شود:

۱. منشآت دیوانی

منشآت دیوانی شامل نامه‌های سلاطین و وزرا به یکدیگر، به زبردستان و همچنین مکاتیب رجال و عموم مردم به امرا و بزرگان طبقات اجتماعی است. این منشآت در کتاب‌هایی گردآوری شده که کاتبان نامه‌ها و یا نسل‌های بعد، آن‌ها را ثبت کرده‌اند؛ مانند این متن که قسمتی از جواب نامه‌ای است که به امیر علیشیر نوایی نوشته شده و در منشآت که میبیدی آن را جمع‌آوری کرده آمده است: «نامه جان‌پرور که از خامه فیض‌گستر خدام مشتری احترام، سلطان فقرا، ... امیر کامل دریادل، نظام الحقیقه و الطریقه و الدین علیشیر ابد الله تعالی رواشح عواطفه علی البرایا و خلد سوانح عوارفه علی الرعايا^(۱) صادر شده بود به احسن وجوه جلوه نمود» (میبیدی، ۱۳۷۶: ۱۰۵).

مهم‌ترین کتاب‌هایی که نامه‌های دیوانی به تعداد زیاد در آن‌ها ثبت شده است عبارتند از: فراید غیاثی یوسف اهل، ریاض الانشای محمود گاوان (بی تا)^۱، همایون‌نامه محمد بن علی منشی (بی تا)^۲، نامه نامی خواندمیر هروی (۹۲۸ ق) و منشأ الانشای ابوالقاسم شهاب احمد خوافی (۹۳۸ ق) که وی مجموعه نامه‌هایی از عبدالواسع نظامی را به رشته تحریر درآورده است.

ضرورت جمع‌آوری این نامه‌ها اغلب حفظ ارزش‌های گذشتگان برای بهره‌مندی علمی دانشمندان در زمان آینده است چنان که گاوان درباره تألیف کتاب ریاض الانشا می‌گوید: «مکتوبی چند که مسوده آن از عروض حوادث مجدده زمان محفوظ مانده بود و مظنه آن می‌باشد که به عین رضای اهل دانش ملحوظ گردد در سلک تألیف انتظام داده و آن را کتاب ریاض الانشا نام نهاد» (گاوان، ۱۹۴۸ م.: ۱۲).

۱. این کتاب به اهتمام غلام یزدانی در سال ۱۹۴۸ در حیدرآباد دکن چاپ شده است.

۲. همایون‌نامه در سال ۱۳۵۶ ش در تهران توسط رکن‌الدین همایون فرخ چاپ شده است.

در کتاب منشأ الانشا نیز علاوه بر نامه‌های افاضل و بزرگان، تعدادی از نامه‌های امیر علیشیر نوایی رقم ذکر یافته و توشیح سلطان حسین بایقرا به مناسبت تقدیم جایزه به امیر علیشیر نوایی برای تدوین دیوان ترکی نیز آمده است (خوافی، ۱۳۵۷: ۲۰۶-۲۰۷).

۲. منشآت غیر دیوانی (اخوانیات)

از دوره تیموری علاوه بر نامه‌های دیوانی، منشآت «از علما، عرفا و شعرا از جمله عبدالرحمن جامی، جلال‌الدین دوانی، عبدالله قطب شیرازی و قاضی میبدی» (واحد، ۱۳۷۸: ۲۸۳-۲۸۴) باقی مانده که برخی در نصیحت شاهان و مریدان و تعدادی هم مراسلات بوده است. معروف‌ترین کتاب‌هایی که حاوی منشآت غیردیوانی است منشآت جامی (بی تا)^۱ و منشآت میبدی (۹۷۹ ق) است.

۳. کتاب‌هایی در زمینه آیین نامه‌نگاری

جدا از نامه‌های دیوانی و غیر دیوانی بازمانده از دوران تیموری، کتاب‌هایی نیز در زمینه آیین ترسل و نامه‌نگاری تدوین و تألیف شده است که از این میان می‌توان به مناظر الانشای محمود گاوآن (بی تا)^۲، ترسل و منشآت معین‌الدین اسفزاری (بی تا)، مخزن الانشای واعظ کاشفی و بدایع الانشای حکیم یوسفی (۹۴۰ ق) اشاره کرد. از بین کتاب‌های یاد شده، حجم نامه‌های دیوانی فراید غیائی بیشتر از بقیه است و مخزن الانشا علاوه بر آن که به تجزیه نامه‌ها پرداخته، نمونه‌هایی نیز در خصوص هر رکن نامه آورده است که در ادامه به طور مفصل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

فراید غیائی

کتابی است مشتمل بر بیش از ۶۵۰ نامه دیوانی و اخوانیات که توسط جلال‌الدین یوسف بن شمس‌الدین عبدالله جامی مشهور به یوسف اهل از ادبای جام گردآوری و تنظیم شده است.

۱. منشآت جامی در سال ۱۳۸۷ش با مقدمه و تصحیح عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف توسط نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۲. این کتاب در سال ۱۳۸۱ توسط معصومه معدن‌کن در تهران تصحیح و چاپ شده است.

بازه زمانی تحریر این نامه‌ها از قرون ۴ تا ۹ ه.ق. است و نویسندگان بیشترین بسامد نامه‌ها را به بزرگان اهل جام به خصوص معین‌الدین جامی اختصاص داده است. او همچنین از ۱۸۸ شخصیت سیاسی، اجتماعی، دینی و ادبی از جمله تیمورخان، شاه شجاع، امام محمد غزالی، خواجه نصیر طوسی و عبدالرحمن جامی نامه‌هایی آورده و یا از آنان نام برده است که در جای خود قابل بررسی است. از خود نویسندگان نیز حدود ۲۰ نامه دیوانی و غیر دیوانی در این کتاب نقل شده است (یوسف اهل، ۲۵۳۶/۱۳۵۶، ج ۱: بیست و یک).

فرایند غیائی در ده باب تنظیم شده است که پنج باب آن را حشمت مؤید تصحیح و در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در دو مجلد چاپ کرده است. این ابواب عبارتند از:

ا. باب اول منشآت سلاطین، ملوک و امراء (۱۲۱ نامه خطابی، ۲۳ نامه جوابی)

ب. باب دوم منشآت صواحب و وزرا (۶۹ نامه خطابی، ۱۲ نامه جوابی)

ت. باب سوم منشآت سادات و نقباء (۹ نامه خطابی، ۲ نامه جوابی)

ث. باب چهارم منشآت قضات و ولات (۱۵ نامه خطابی، ۱ نامه جوابی)

ج. باب پنجم منشآت موالی عظام و اهالی کرام (۴۴ نامه خطابی، ۲۳ نامه جوابی)

مجموع نامه‌های این پنج باب ۳۱۸ نامه می‌شود که در ادامه تجزیه ساختار آن‌ها را بر اساس ارکان معرفی شده در مخزن الانشا کاشفی خواهیم آورد و انواع مخاطب را در آن بررسی خواهیم کرد.

مخزن الانشا

مخزن الانشا یکی از مشهورترین کتاب‌های چاپ نشده ملاحسین واعظ کاشفی است که تألیف آن در سال ۹۰۷ به اتمام رسیده است.^۱ این کتاب از پنج فصل تشکیل شده که عبارتند از: فصل اول «عنوان، در ضرورت آنچه کاتب باید بداند»، فصل دوم «در خطابیات»، فصل سوم

۱ نویسندگان این مقاله با استفاده از پنج نسخه نزدیک به زمان تألیف کتاب از کتابخانه‌های کابل، ملک، مرعشی، دانشگاه تهران و مجلس، در حال تصحیح آن هستند.

«در جوابیات»، فصل چهارم «در احوال ضروری الذکر» و فصل پنجم «خاتمه کتاب، در ایراد دعا‌هایی که در هنگام کتابت احوال به آن‌ها نیاز پیدا می‌شود».

با توجه به این که فصل دوم و سوم مخزن‌الانشا ساختاری نو دارد و ارکان جدیدی را برای نامه‌ها مطرح کرده است، ما نیز در این مقاله فقط به این دو فصل می‌پردازیم.

فصل دوم که در مخزن‌الانشا به نام «صحیفه اولی» آمده است به تجزیه ارکان نامه‌های خطابی دیوانی (در این کتاب با نام طبقات از آن‌ها یاد می‌شود) و نامه‌های غیر دیوانی (اخوانیات) می‌پردازد.

قبل از کاشفی کسانی همچون خواجه عمادالدین محمود گاوآن، ارکانی کلی را برای منشآت نویسی برشمرده‌اند (گاوآن، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۲۳۶). اما مخزن‌الانشا نامه‌ها را به صورت جزئی تقسیم‌بندی کرده است. بر اساس این کتاب، ارکان مکتوبات خطابی با در نظر داشتن شیوه متقدمان بدون توجه به احوال ضرور الذکر، دوازده رکن است: اول «افتتاح»، دوم «صفات»، سوم «القباب»، چهارم «ادعیه»، پنجم «ذکر کاتب»، ششم «عرض تحیات»، هفتم «اظهار اخلاص»، هشتم «شرح شوق»، نهم «ذکر زمان کتابت»، دهم «ذکر مکان کتابت»، یازدهم «اختتام»، دوازدهم «عنوان». مکتوبات جوابی نیز که در فصل سوم مخزن‌الانشا ذکر شده است به هفت رکن تقسیم می‌شود: ۱- افتتاح ۲- مقدمه با توابع آن شامل مفتتح، وصف و تتمه ۳- تعریف مکتوب ۴- تعظیم مکتوب ۵- نتیجه ۶- مقابله ۷- شکر.

کاشفی ضمن توضیح ارکان نامه‌های خطابی و جوابی، مثال‌های فراوانی در جداول منظم آورده که مخزن‌الانشا را به اثری فرهنگ‌گونه در زمینه ترسل تبدیل کرده است. بنابراین برای مقایسه نزدیکترین کتاب به دوران وی که بیشترین نامه‌ها را در بر داشت، فراید غیائی را انتخاب کردیم و ضمن معرفی مختصر ارکان نامه‌نگاری از دیدگاه کاشفی، ارکان مورد نظر را طی جداولی بر پایه ۳۱۸ نامه چاپ شده فراید غیائی بررسی کردیم که در دو بخش مکاتیب خطابی و جوابی خواهد آمد و سپس مخاطبان نامه‌ها را در هر دو اثر معرفی کرده و شباهت دو کتاب مذکور را از این زاویه نشان خواهیم داد.

۱. مکاتیب خطابی

مکاتیب خطابی مجموعه ترسلماتی هستند که خطاب به افراد مختلف نوشته می‌شوند. بنابراین هر دو گروه ترسلمات دیوانی و اخوانی دارای مکاتیب خطابی هستند. ما نیز با توجه به این که با نامه‌های دیوانی و اخوانی طبقات مختلف در فرایند غیائی مواجه هستیم آن‌ها را در باب‌های مورد نظر این کتاب رکن‌بندی می‌کنیم.

۱.۱. مکاتیب خطابی در باب اول فرایند غیائی

اولین رکن منشآت بر اساس مخزن الانشا «افتتاح» است که در مکاتیب خطابی شامل دو بخش اصلی و رسمی می‌شود. «افتتاح اصلی» عبارت است از آوردن نام خداوند در ابتدای نامه با در نظر گرفتن براءت استهلال و آوردن آیه‌ای از قرآن کریم و یا بیتی که متضمن نام خداوند باشد. «افتتاح رسمی» بر اساس طبقات و اخوانیات و موقعیت کاتب نسبت به مکتوب الیه متفاوت بوده با عبارات و ابیات عربی و فارسی دعایی آمده است (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۹-۱۱). در باب اول فرایند غیائی از کل نامه‌های موجود ۲۷/۲٪ دارای «افتتاح اصلی» نامه و ۷۹/۳٪ دارای «افتتاح رسمی» هستند و این نشان‌دهنده آن است که هر دو افتتاح را همه نامه‌ها ندارند. خصوصاً نبود «افتتاح اصلی» در نامه می‌تواند به علت جایگاه و تقدم آن در سطر نامه و حذف شدن در اثر فرسایش و پارگی لبه کاغذ نامه باشد.

در باب اول در افتتاح نامه معین‌الدین جامی به ابوالحسین محمد کتبت آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ، هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»^(۲).

شعر

بَقِيَتْ مَدَى الدُّنْيَا وَصَدْرُكَ كَعْبَةٌ تَطَوَّفُ الْأَعَالِي حَوْلَهَا وَالْأَسْفَلُ^(۳)
تا به سوی کعبه باشد روی خلق حضرت تو کعبه مقصود باد

(یوسف اهل، ۱۳۵۶/۲۵۳۶: ۲۶۳)

«صفات» به عنوان دومین رکن معرفی شده توسط مخزن الانشا در ۸۳/۴٪ نامه‌های باب اول فرایند غیائی آمده است. به عنوان مثال در نامه خواجه قطب‌الدین فضل‌الله به ارغون شاه

این صفات ذکر شده است: «خسرو صاحب قران، ممثل امتثال إنَّ الله يأمرُ بالعدلِ و الإِحسانِ^(۴)، پناه اهل ایمان، المخصوص بغایات عنایات الرحمن، امیر جمشید اقتدار خورشیدانوار» (همان: ۵۴۴).

«القاب» سومین رکن منشآت است که در باب اول *فراید غیائی* در بیش از نیمی از نامه‌ها آمده است. یوسف اهل در نامه‌ای خطاب به سلطان ابراهیم در خوارزم، القاب «ناصر الدوله و الدنیا و الدین» (یوسف اهل، ۱۳۵۶/۲۵۳۶: ۵۷۷) را برای او به کار برده است.

چهارمین رکن منشآت «دعا» است که در نامه‌ها به دو صورت معین و نامعین آمده‌اند. دعاها معین دعاهایی بودند که جایگاه معینی در نامه‌ها داشتند و در پنج موضع افتتاح، اختتام، بعد از نام مکتوب الیه، استدعای دوام دولت و ملاقات مکتوب الیه می‌آمدند و دعاها غیر معین ادعیه‌ای بودند که در حین کتابت احوال نوشته می‌شدند (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۱۵۷). در *فراید غیائی*، «ادعیه» در باب اول ۹۰/۰۸٪ نامه‌ها را به خود اختصاص داده است. معین‌الدین جامی در نامه ۲۵ *فراید* ضمن بیان دعاهایی در خصوص سلطان خان جهان خطاب به او می‌نویسد: «خدا گواه و آگاه است که اکثر اوقات و ساعات دعای آن حضرت ورد زبان و حرز جان مخلص‌ترین دعاگویان است» (یوسف اهل، ۱۳۵۶/۲۵۳۶: ۱۱۰).

«ذکر کاتب» که جایگاه آن بعد از «افتتاح» نامه است پنجمین رکن منشآت است که در باب اول *فراید* در ۸۰/۹٪ از نامه‌ها آمده است.

«عرض تحیات»، «اظهار اخلاص» و «شرح شوق» نیز ارکان ششم تا هشتم منشآت هستند که در باب اول *فراید غیائی* به ترتیب ۸۵٪، ۷۲٪ و ۴۲/۱۴٪ آمده‌اند.

از مهم‌ترین ارکان منشآت «ذکر زمان» و «ذکر مکان» کتابت نامه است که رکن نهم و دهم نامه‌ها را تشکیل می‌دهد. به نظر کاشفی اگر در موردی دو نامه با مضمونی متضاد یا متفاوت از هم ارسال شود و هر دو نامه در حدود زمانی نزدیک به یکدیگر به گیرنده نامه برسد تاریخ نامه مفید است. ضمن آن که اگر نامه‌ای به دلیل مشکلات خاص، دیرتر از موعد مقرر به مکتوب‌الیه رسید و موجبات ناراحتی وی را فراهم کرد، تاریخ نامه می‌تواند بر درستی ارسال

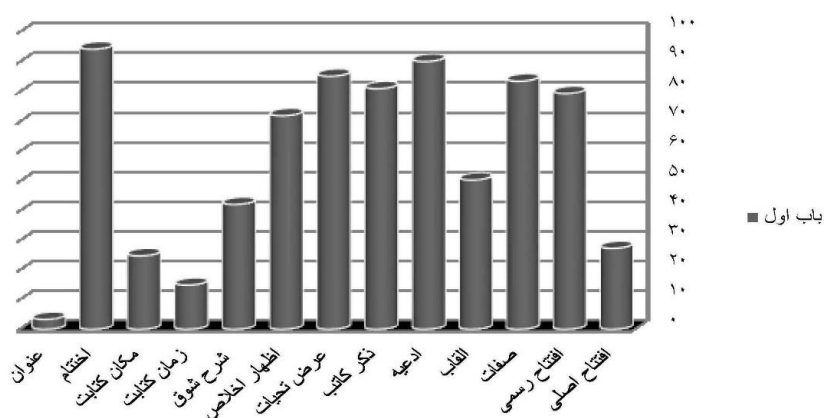
نامه توسط فرستنده آن تأکید کند (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۲۰۲). در باب اول فرایند غیائی در ۱۴/۸۷٪ موارد «زمان کتابت» و در ۲۴/۷۹٪ موارد «مکان کتابت» آمده است.

«اختتام» یازدهمین رکن نامه‌هاست که شامل دو بخش مقدماتی و پایانی است. در ابتدا کاتب از طولانی شدن مکتوب و ضایع شدن وقت مکتوب‌الیه عذرخواهی می‌کند و سپس مکتوب را با دعایی به پایان می‌رساند (همان: ۲۰۵-۲۰۶). در باب اول حدود ۹۵٪ نامه‌ها دارای «اختتام» هستند.

در «عنوان نامه‌ها» که دوازدهمین رکن منشآت است اسم، لقب یا تعریف و توصیف مکتوب‌الیه آورده می‌شود. گاهی نیز در نامه‌های طبقات، لفظی مشتمل بر عجز و افتقار و در اخوانیات، منظوی بر مودت و دوستی آورده می‌شود و در مراسلاتی که طبقه‌اعلی به اشرف می‌نویسند در کناره نامه اسم مکتوب‌الیه ضمن دعایی ذکر می‌شود (همان: ۲۴۷-۲۴۸). «عنوان نامه» در فرایند غیائی به تعداد بسیار کم آمده است و اغلب مؤلف کتاب فراید، خود در ابتدای نامه‌ها عنوانی را قرار داده است که اسم و القاب کاتب و مکتوب‌الیه را ذکر می‌کند. بنابراین چون این بخش نامه در ابتدا، انتها و یا کناره نامه‌ها می‌آید، بسامد محدود آن در این کتاب به علت فرسایش و پارگی کاغذ نامه‌ها قابل توجیه است.

در کل، نامه‌های خطابی باب اول فرایند غیائی را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:

منشآت سلاطین، ملوک و امراء



در باب اول که از ۱۲۱ نامه خطابی تشکیل شده است، «عنوان نامه»، «زمان کتابت»، «مکان کتابت» و «افتتاح اصلی» با توجه به جایگاهشان در نامه به ترتیب کمترین درصد نمودار را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از آنجایی که «شرح شوق» در مکاتیب سلاطین و وزرا و صاحبان طبقات مهم اجتماعی مناسب نبوده است درصد آن در نامه‌های این باب فرایند غیائی نیز کم است.

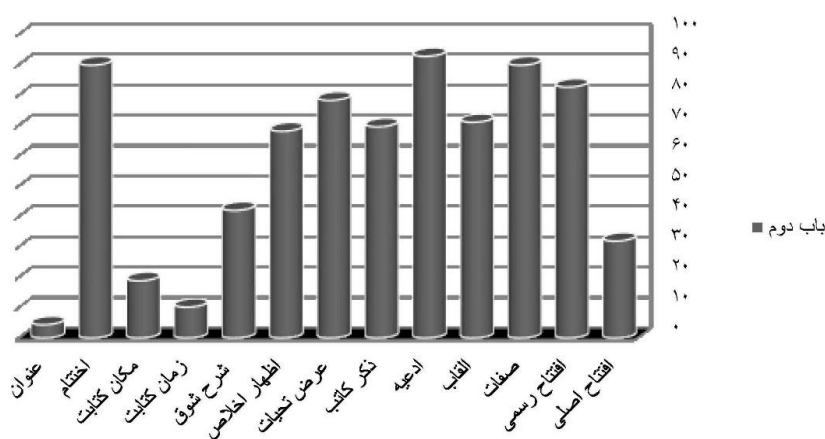
۲.۱. مکاتیب خطابی در باب دوم فرایند غیائی

باب دوم که شامل ۶۹ نامه خطابی می‌شود مربوط به نامه‌های صواحب و وزراست. در این باب مانند باب اول دو «افتتاح اصلی» و «رسمی» داریم که به ترتیب $31/8\%$ و $82/6\%$ نامه‌ها را شامل می‌شوند.

همچنین «صفات» در $89/8\%$ ، «لقاب» در 71% ، «ادعیه» در $92/7\%$ ، «ذکر کاتب» در $69/5\%$ ، «عرض تحیات» در $78/26\%$ ، «اظهار اخلاص» در 68% ، «شرح شوق» در 42% ، «ذکر زمان کتابت» در $10/14\%$ ، «ذکر مکان کتابت» در $18/8\%$ و «اختتام» در $89/85\%$ نامه‌ها آمده‌اند. «عنوان» نیز به ندرت در این نامه‌ها دیده می‌شود مگر عناوینی که مؤلف کتاب برای نامه‌ها در نظر گرفته؛ مانند نامه ۱۴۵ که مؤلف کتاب فرایند در عنوان آن چنین آورده است: «من انشا خواجه معین‌الدین الجامی الی السلطان الوزرا خواجه جلال‌الدین معروف دهلوی» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۳).

باب دوم نیز مانند باب اول بوده با کمی تفاوت که در نمودار زیر نشان داده می‌شود.

منشآت صواحب و وزراء



قابل ذکر است که یکی از دلایل اصلی تفاوت آماری بین ارکان مختلف نامه‌ها، نبود کل نامه در هنگام ثبت آن در کتاب *فراید* است؛ به عنوان مثال نامه‌ای که فقط «شرح شوق» در آن دیده می‌شود و فاقد سایر ارکان نامه از جمله «افتتاح» و «اختتام» است، نامه ناقصی است که مؤلف کتاب بنا به خصوصیات دیگر نامه از جمله قراردادن نامه‌ای از یک فرد شاخص و معروف در کتاب خود از آن استفاده کرده و کامل بودن نامه‌ها از شرایط اصلی قرارگرفتن آن‌ها در مجموعه نامه‌های *فراید* محسوب نشده است. دلیل دیگر جایگاه برخی از ارکان در قالب نامه است چنان که ارکانی مانند «عنوان»، «افتتاح اصلی» و «ذکر مکان» و «زمان کتابت» با توجه به این که در ابتدا، انتها و یا حواشی نامه قرار می‌گرفتند به دلیل از بین رفتن حاشیه کاغذ به مرور زمان از نامه حذف شده‌اند.

۳،۱. مکاتیب خطابی در باب سوم فراید غیائی

در باب سوم *فراید غیائی* که به «مکاتیب سادات و نقبا» اختصاص دارد، ۹ مکتوب خطابی آمده است که مانند دو باب گذشته کمترین درصد یعنی ۱۱/۱٪ به «عنوان نامه‌ها» تعلق دارد. همچنین از کل نامه‌های این باب، ۲۲٪ به «زمان کتابت» و ۳۳٪ به «مکان کتابت» و «افتتاح اصلی» نامه‌ها پرداخته‌اند. ضمن آن که در این باب «افتتاح رسمی»، «ذکر کاتب»، «عرض تحیات» و «اظهار اخلاص» به یک میزان یعنی ۷/۷٪ نامه‌ها را شامل می‌شوند «صفات»، «ادعیه» و «اختتام» نیز با درصدی مشابه یعنی ۸۸/۸٪ از کل نامه‌ها آمده‌اند.

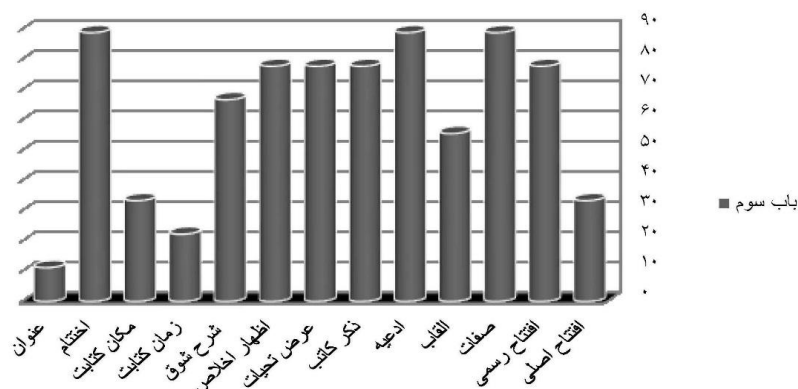
از نمونه‌های اظهار اخلاص در باب سوم این کتاب بیت زیر است که در نامه ۲۲۵ خواجه معین‌الدین جامی برای علی‌اکبر ترمذی یکی از بزرگان سادات نوشته شده است:

«من ارچه از شرف خدمت تو محرومم به تن که هست اسیر عذاب و جفت ملال
ولی ملازم آن درگهم به دل همه روز ولی مجاور آن حضرتم به جان همه سال»

(یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۲۹۷)

ارکان منشآت باب سوم را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:

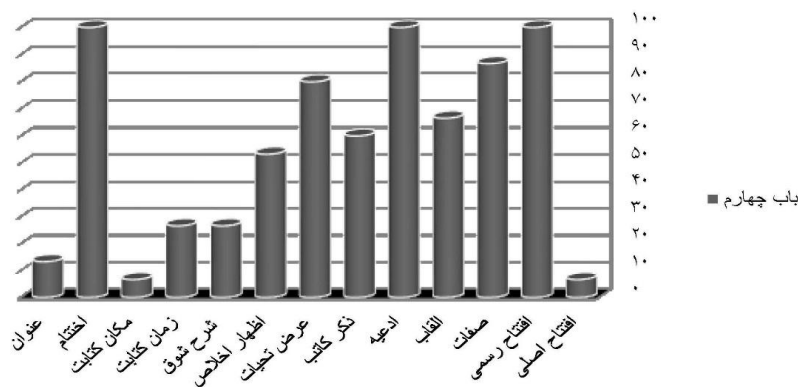
منشآت سادات و نقباء



۴.۱. مکاتیب خطابی در باب چهارم فراید غیائی

در باب چهارم یعنی نامه قضا و ولات ۱۵ نامه خطابی آمده است. «افتتاح اصلی» و «مکان کتابت» هر دو با ۶۶٪ کمترین درصد نامه‌ها را در بر دارند. همچنین بعد از «عنوان نامه»، «شرح شوق» و «زمان کتابت» با ۲۶٪ نسبت به سایر ارکان از میزان کمتری برخوردار هستند. «اظهار اخلاص» ۵۳٪، «ذکر کتابت» ۶۰٪، «القاب» ۶۶٪، «عرض تحیات» ۸۰٪ و «صفات» نیز ۸۶٪ نامه‌ها را شامل می‌شوند. قابل ذکر است که «افتتاح رسمی»، «ادعیه» و «اختتام» در تمامی نامه‌های این باب آمده است. به عنوان مثال در خاتمه نامه ۲۴۷ آمده است: «زیادت گستاخی مجال ندارد. سایه عالی بر سر اسلامیان ابدالدهر مخلد و مبسوط بمحمد و عترته الامجاد و الانجاد» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۳۸۰).

منشآت قضا و ولات



۵,۱. مکاتیب خطابی در باب پنجم فراید غیائی

در باب پنجم فراید غیائی که از ۴۴ نامه خطابی تشکیل شده فقط یک «عنوان نامه» آمده است. در این نامه‌ها «زمان» و «مکان کتابت» همچون سایر باب‌ها کم است اما «افتتاح اصلی» نامه‌ها درصد بیشتری نسبت به گذشته دارد. همچنین با توجه به این که نامه‌های این طبقه دوستانه‌تر از سایر طبقات است، «شرح شوق» بیشتر شده و «القاب» کمتر آمده است.

بر اساس مخزن الانشا، بزرگان فن ترسل معتقدند که «بیان شوق» در نامه‌هایی که ملوک به یکدیگر می‌نویسند مناسب نیست زیرا که «شرح شوق»، تمنای وصال را می‌رساند و این درباره ملوک و اهل حرمشان صحیح نیست برعکس در اخوانیات اشتیاق ملاقات، بی‌نهایت خوب و مناسب است (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۱۸۶).

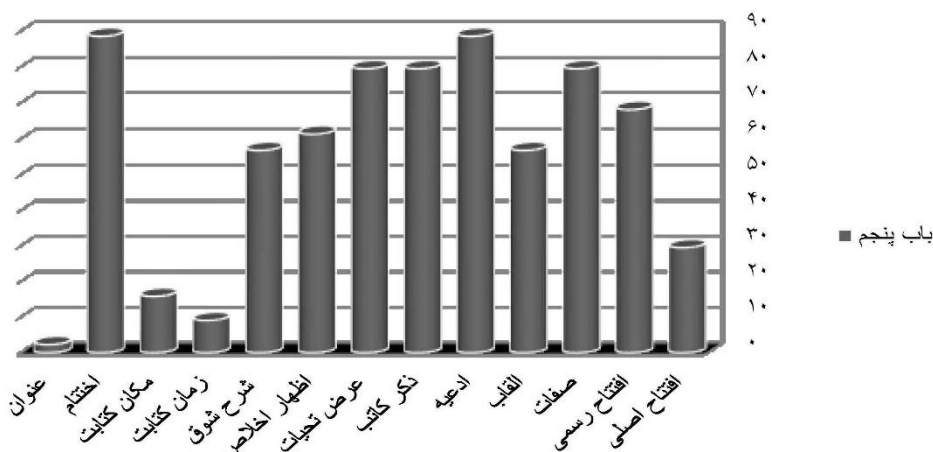
با توجه به توضیحات ذکر شده در باب پنجم، «افتتاح اصلی» ۲۹/۵٪، «افتتاح رسمی» ۶۸/۱۸٪، «صفات» ۷۹/۵٪، «القاب» ۵۶/۸٪، «ادعیه» ۸۸/۶٪، «ذکر کاتب» ۷۹/۵٪، «عرض تحیات» ۷۹/۵٪، «اظهار اخلاص» ۶۱/۳۶٪ و «شرح شوق» ۵۶/۸٪ به کار رفته است.

«شرح شوق» در نامه ۲۵۴ فراید چنین آمده است: «رجا به فضل الهی واثق است که عن- قریب محبان را به صحبت شریف ایشان استیناس کلی حاصل آید و مستفیضان این دیار را از مشرب زلال معرفت نصیب کامل به ظهور رسد» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۴۰۴).

«ذکر زمان» و «مکان کتابت» و «اختتام» نیز به ترتیب با ۱۰٪، ۱۶٪ و ۸۸/۶۳٪ در نامه‌های

خطابی باب پنجم ذکر شده‌اند که در نمودار زیر نمایان شده است.

منشآت موالی عظام و اهالی کرام



با توجه به ساختار نامه‌های خطابی در پنج باب فرایند غیائی، می‌توان به صحت و درستی تقسیم‌بندی ارکان نامه‌های خطابی در مخزن الانشا کاشفی پی برد. همچنین با استفاده از ارکان مطرح شده در مخزن الانشا درمی‌یابیم که دو سه نامه از جمله نامه ۲۶۰ فرایند غیائی گرچه به عنوان نامه‌های خطابی آمده‌اند، ساختار نامه‌های جوابی را دارند و جزو آن‌ها محسوب می‌شوند.

۲. مکاتیب جوابی

مکاتیب جوابی نامه‌هایی هستند که در جواب مکاتیب خطابی نوشته می‌شوند. این نامه‌ها در هر دو گروه مراسلات دیوانی و اخوانی قابل رؤیت هستند. بنابراین در ادامه بررسی مکاتیب خطابی، اینک در این بخش به مکاتیب جوابی موجود در فرایند غیائی می‌پردازیم.

۱،۲. مکاتیب جوابی در باب اول فرایند غیائی

«افتتاح» مکاتیب جوابی مانند مکاتیب خطابی در این باب از دو بخش «اصلی» و «رسمی» با ۳۶/۳۶٪ و ۸۶/۳۶٪ تشکیل شده؛ با این تفاوت که در «افتتاح اصلی» مکاتیب جوابی از کلمات و عبارات مناسب با جوابیه مانند «هوالمجیب» یا اشعار مناسب در ابتدای نامه استفاده شده است.

«مقدمه» مکاتیب جوابی در مخزن الانشا از سه بخش «مفتوح»، «وصف» و «تتمه» تشکیل می‌شود. در «مفتوح» نگارنده نامه الفاظی را دربارهٔ مکتوب می‌نویسد که در واقع تعریف از مکتوب‌الیه است سپس وصفی مختصر می‌آورد و آن‌گاه از دریافت نامهٔ آن شخص خبر می‌دهد. قابل ذکر است آوردن صفات و القاب کاتب نامهٔ دریافتی الزامی است (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۲۶۴). در نامه‌های جوابی باب اول فراید با ۹۵/۴۵٪ بیش از سایر ارکان آمده است.

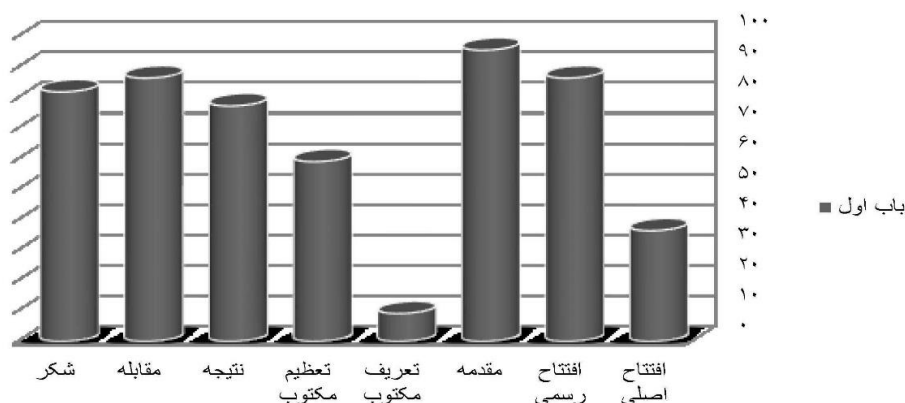
چنان که گفته شد، در «وصف» تعریف جزئی از نامه صورت می‌گیرد اما در «تعریف مکتوب» از زیبایی و لطافت خط و نیز شیوایی و بلاغت و فصاحت آن سخن می‌رود مگر این که خط کاتب از درجهٔ تعریف ساقط باشد. ضمن آن که در مکاتیب سلاطین و حکام و امرا چون تعریف از خط به منشی آن‌ها مرتبط می‌شود باید از آن صرف نظر کرد ولی در مکاتیب صدور و وزرا که آن‌ها خود نامه می‌نویسند و در طبقهٔ اشراف و اخوانیات، «تعریف مکتوب» الزامی است (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۲۷۵). «تعریف مکتوب» چنان که در نمودار بعدی مشاهده می‌شود در باب اول فراید غیائی در کمترین وضعیت یعنی حدود ۱۰٪ نامه‌های جوابی آمده است.

بحث از «نتیجه» که بیان‌کنندهٔ خرسندی کاتب از دریافت نامهٔ مکتوب‌الیه است در باب اول فراید ۷۷٪ آمده است. معین‌الدین جامی در جواب نامهٔ سلطان عزالدین کرمانی می‌نویسد: «فرمان دلگشای و طغرای جهان آرای... متضمن هزاران فتح و فتوح نامزد مخلص دولتخواه شده بود از خزانهٔ ما یفتح الله چهرهٔ جمال گشود و به وجدان تفقدات پادشاهانه و تعهدات خسروانه دل مرده زنده گشت و جگر تشنه به زلال افضال حرم و سیراب شد و...» (یوسف اهل، ۲۵۳۶: ۳۵۰)

«مقابله» که بعد از «نتیجه» می‌آید از دو بخش تشکیل شده است: اول بیان خدمت و عبودیت همراه با سلام و تحیت و دوم عذرخواهی از مکتوب‌الیه ضمن دعا کردن و تقدیر از کرم او (واعظ کاشفی، ۹۰۷: ۲۹۶-۲۹۷). «مقابله» در نامه‌ها به هر دو صورت نثر و نظم آمده است در باب اول فراید غیائی ۸۶/۳۶٪ نامه‌های جوابی دارای «مقابله» هستند.

اما هفتمین و آخرین رکن نامه‌های جوابی، سپاسگزاری از مکتوب الیه است که در مخزن/انشا از آن با عنوان «شکر» یاد شده است. در باب اول فرایند در حدود ۸۲٪ «شکر» مکتوب‌الیه آمده است.

منشآت سلاطین، ملوک و امراء



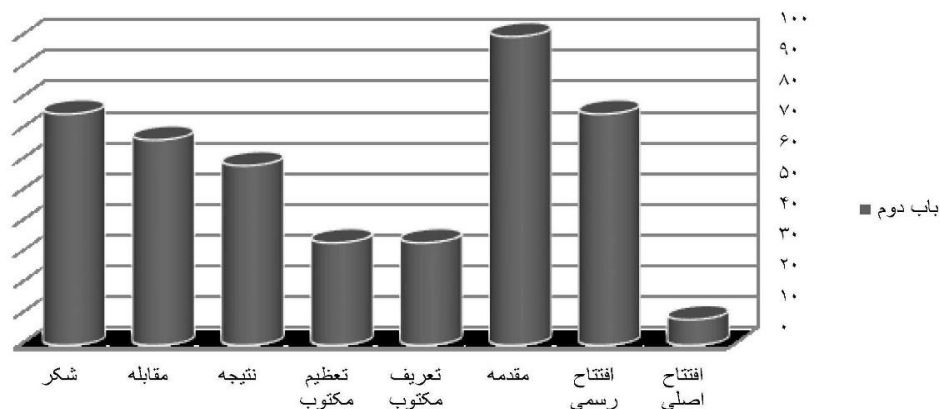
۲٫۲. مکاتیب جوابی در باب دوم فرایند غیائی

در این باب «افتتاح اصلی» مانند سایر باب‌ها به میزان کم یعنی حدود ۸٪ آمده است. «افتتاح رسمی» در ۷۵٪ نامه‌های جوابی این بخش ذکر شده و «مقدمه» نیز در تمام نامه‌ها آمده است. چنان که قبلاً گفتیم، در منشآت صواحب و وزرا که اغلب خود کاتب نامه‌های خویش هستند «تعریف و تعظیم مکتوب» مناسب است و در نمودار زیر این دو موضوع همسان هم و در حدود ۳۳٪ از نامه‌های جوابی این باب آمده‌اند. در نامه‌های جوابی ۱۷۲ در «تعریف مکتوب» آمده است: «خطی که خاک در دیده‌ی ابن مقله پاشیده و خط عزل بر جبین مبین هذا خط قابوس ام جناح طاوس کشیده و ... مدت‌هاست که خوشتر از آن عبارت و استعارت گوش نشنیده و لطیف‌تر از آن خط چشم ندیده» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۸۷-۸۸).

«نتیجه»، «مقابله» و «شکر» نیز در این باب به ترتیب در ۵۸٪، ۶۶٫۶٪ و ۷۵٪ نامه‌های جوابی آمده

است.

منشآت صواحب و وزرا



۳,۲. مکاتیب جوابی در باب سوم فراید غیائی

در باب سوم فراید که مربوط به منشآت سادات و نقباء است فقط دو نامه جوابی آمده است بنابراین نیازی به ترسیم نمودار نیست. در این باب هر دو نامه فاقد «افتتاح اصلی» و «تعظیم مکتوب» هستند، «افتتاح رسمی» و «مقابله» در هر دو نامه آمده و سایر ارکان نامه به طور نامنظم برخی در نامه اولی و مابقی در نامه دومی قرار دارند.

۴,۲. مکاتیب جوابی در باب چهارم فراید غیائی

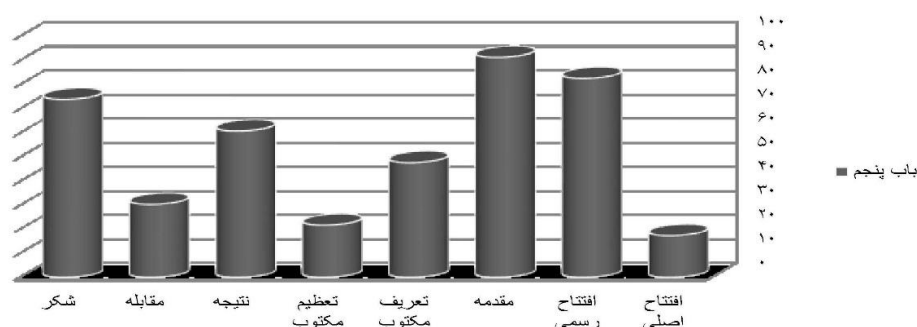
در باب چهارم که مربوط به منشآت قضات و ولات است مانند باب سوم نموداری رسم نکردیم زیرا این باب دارای یک نامه است و در این نامه فقط ارکان «افتتاح رسمی» و «شکر» آمده و مابقی ارکان نامه در نسخ موجود این نامه ذکر نشده است و بیانگر نامه ناقصی است که از گذشته بجا مانده است.

۵,۲. مکاتیب جوابی در باب پنجم فراید غیائی

در این باب قدرت طبقاتی ضعیف می‌شود و روابط دوستانه‌تر می‌گردد. بنابراین «تعظیم مکتوب» و «مقابله» کم و به جای آن «تعریف مکتوب» بیشتر می‌شود. «نتیجه» نیز در جایگاهی بعد از «تعریف مکتوب» قرار می‌گیرد. از نمونه‌های آن در این باب نامه ۲۵۳ است که «نتیجه» در آن چنین آمده است: «به واسطه آن خطاب شریف (ع): جانم که چو غنچه بود چون گل بشکفت، و بر استعداد قبول فیض الهی و قابلیت کمالات سرمدی استدلال گرفت» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۴۰۰).

در کل در باب پنجم فرایند غیائی، «افتتاح اصلی» در ۱۷/۳۹٪، «افتتاح رسمی» در ۸۲/۶٪، «مقدمه» در ۹۱٪، «تعریف مکتوب» در ۴۸٪، «تعظیم مکتوب» در ۲۲٪، «نتیجه» در ۶۱٪، «مقابله» در ۳۰٪ و «شکر» در ۷۴٪ نامه‌های جوابی آمده است. در نامه ۲۸۹ «شکر» کاتب اینچنین آمده است: «الطافی که مستودع مطاوی آن کتاب مستطاب بود از طوق تعرض شکرگزاری متعالی دید لاجرم قدم احصی بیرون نهاده به اصناف الطاف و اعطاف ... اهدا می رود» (یوسف اهل، ۱۳۵۸: ۵۲۱).

منشآت موالی عظام و اهالی کرام



چنان که مشاهده شد، ارکان مطرح شده در مخزن الانشا در مکاتیب فرایند غیائی وجود دارد و از آن می‌توان به عنوان یکی از الگوهای مشخص برای نامه‌نگاری تا قرن ده نام برد. منشآت بسیاری هستند که ارکان مخزن الانشا در آنها قابل بررسی است. به عنوان نمونه منشآت خاقانی از جمله کتاب‌هایی است که ارکان مورد نظر کاشفی را دارد؛ مانند آن که خاقانی در آغاز یکی از نامه‌های خود خطاب به سراج‌الدین چنین می‌نویسد: «بسم الله الرحمن الرحيم. مورد تحیات و مصدر اریحیات مجلس رفیع خواجه امام اجل همام افضل مفضل اکرم مکرم عالم کبیر متبحر نحیر مصدر سراج‌الدین شمس الاسلام و المسلمین در وساده سیادات مقصد سعادات و در مسند فضایل مستند افاضل باد» (خاقانی، ۱۳۴۹: ۱۱۶). بنابراین در این بخش نامه خاقانی «افتتاح اصلی» و «رسمی»، «صفات»، «القاب» و «دعا» طبق ارکان مخزن الانشا وجود دارد.

اما در کتاب دیگر قرن ششم یعنی التوسل الی التوسل، نامه‌ها در ساختار خود سیاق و روش یکسانی ندارند و به گفته مؤلف: «نوعی گزیده‌ام مرکب از همه اقسام چنان که در مطاوی

مکاتبات از هر تویی بویی و از هر شیوه‌ای شمه‌ای به مشام خاطر مستمع رسد و از مفتح رسالت تا مختتم بر یک نمط تنها اقتصار نیفتد» (بهاء‌الدین بغدادی، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۲). بنابراین ارکان نامه‌ها در مخزن الانشا بر تمام منشآت التوسل الی الترسل قابل تطبیق نیست و بر عکس آن که در قرن ششم «در اخوانیات معمولاً نامه با دعای مکتوب‌الیه آغاز می‌گشت و القاب و نعوت نیز ضمن جمل دعایی در صدر مکتوب ذکر می‌شد» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۳۱۷) و چنان که نویسنده التوسل الی الترسل می‌نویسد: «شیوه اصلی و مختار حقیقی طبع من است» (همان: ۱۱)، نویسنده هر جا صلاح دانسته، برای جلوگیری از اطناب، «افتتاح»، «صفات» و «القاب» طولانی را حذف و نامه را فقط با «ادعیه» شروع کرده است.

بنابراین تقسیم ارکان نامه در مخزن الانشا با اغلب متون همخوانی دارد و استثنائاتی نیز در این مورد وجود دارد که مانند التوسل الی الترسل برخی از ارکان نامه بنا بر ذوق مؤلف یا کاتب تلخیص یا حذف شده‌اند.

جایگاه مخاطب در دو اثر مذکور

حال که ساختار نامه‌های فرایند غیائی را بر اساس مخزن الانشا مشخص کردیم، به انواع و جایگاه مخاطب در این دو اثر می‌پردازیم. یکی از عوامل مؤثر در آفرینش آثار ممتاز و برجسته توجه به مخاطب است. اهمیت مخاطب به حدی است که گاهی سبک نویسندگان دوره‌های مختلف را بر اساس مخاطب بیان می‌کنند مانند سبک منشیانه، سبک عامیانه، سبک درباری، یا ادبیات کودکانه، ادبیات کارگری، ادبیات زنان و امثال آن.

آنچه مشخص است در آثار ادبی از جمله شعر «تفاوت‌های سبکی به خصوص مدیون تغییر مخاطبان و شخصیت فردی شاعران بوده است این تفاوت‌های سبکی را سنت و میراث ادبی غالباً مهار می‌کرد و رخصت نمی‌داد از حد اعتدال و انتظار و توقع و عادت مخاطبان فراتر رود» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۰). بر اساس نظریه کولریج: «هر نویسنده باید ذوق لذت بردن از آثار خود را در مردم بیافریند» (ولک، ۱۳۷۲: ۱۰۹). توجه به مخاطب باعث می‌شود تا ارتباط

بیشتری بین نویسنده، اثر و خواننده ایجاد شود. بنابراین «در فرایند ارتباط نقش مخاطب یا گیرنده پیام در نحوه و چگونگی ارسال پیام تأثیر بسزایی داشته و دارد» (اکرامی، ۱۳۷۸: ۱۹۷). از بین آثار مطرح فارسی، منشآت بیش از هر اثر دیگر تابع مخاطبان خویش بوده است زیرا در این نوع ادبی مخاطب واضح و مشخص است و کاتب وظیفه دارد احساس خواننده را تحریک کرده علاقه او را برای خواندن نامه و عمل به خواست کاتب تقویت کند. بنابراین پی بردن به آنچه برای خواننده ارزشمند و قابل اعتناست الزامی کامل دارد. کاشفی در مورد خصوصیات کاتب می‌گوید: «به مراتب طبقات هر طایفه از طوایف اهل عالم عارف باشد تا به حکم نَزَلَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ از عهده تعریف هر کس فراخور حال وی بیرون تواند آمد» (کاشفی، ۹۰۷: ۷).

جایگاه مخاطب منشآت از لحاظ اجتماعی نسبت به کاتب به موارد زیر تقسیم می‌شود:

أ. مقامی بالاتر از کاتب

ب. هم سطح کاتب

ت. مقامی پایین تر از کاتب

بنابراین مخاطبان منشآت با توجه به جایگاهشان به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که این تقسیم بندی در دو کتاب مورد نظر ما نیز وجود دارد.

در فرایند غیاثی مخاطبان نامه‌ها به طور کلی در ده باب معرفی شده‌اند که ما فقط به پنج باب چاپ شده این کتاب دسترسی داریم و بدان‌ها خواهیم پرداخت و آن‌ها را با *مخزن الانشا* که به انواع مخاطب اشاره کرده است مقایسه می‌کنیم. *مخزن الانشا* به جزئیات مخاطبانش توجه کرده و برای هر یک به مقتضای حال، مثال‌هایی را در رکن‌های مختلف نامه ذکر کرده است. مخاطبان در *مخزن الانشا* به سه طبقه اعلی، اشرف و اوسط تقسیم شده‌اند. طبقه اعلی شامل سلاطین، امرا، حکام، وزرا و دیگر بزرگان دولت، طبقه اشرف شامل سادات، قضات و علما و مشایخ و فضلا و طبقه اوسط شامل رؤسای قبایل، معارف شهر، تجار و دهاقین و امثال آن‌ها بوده است.

یوسف اهل مؤلف *فراید* در مقدمه کتاب ۱۸۸ مخاطب را برای نامه‌های موجود ذکر کرده است که اغلب از بزرگان سیاست، ادب و عرفان هستند و اسم کسانی مانند ابراهیم ادهم، احمد جامی، محمد و احمد غزالی، شاه شجاع، گورخان و ابن یمین فریومدی در بین آن‌ها دیده می‌شود.

باب اول و دوم *فراید* با طبقه‌ای اعلی در *مخزن الانشا* همخوانی دارد زیرا در این قسمت، نامه‌های ارکان دولت بررسی می‌شود. بنابراین مثال‌هایی که کاشفی در *مخزن الانشا* ذیل طبقه‌ای اعلی آورده است با آنچه در نامه‌های باب اول و دوم *فراید* آمده شباهت دارد. حتی اشعار، صفات، القاب و ادعیه موجود در هر دو کتاب نزدیک به هم هستند؛ به عنوان مثال صفاتی چون ظل ظلیل عاطفت، خسرو صاحب قران، خلاصه السلاطین العرب و العجم، سلطان سلاطین و القابی مانند معز الحق و الدنيا و الدین، غیاث الحق و الدنيا و الدین، جلال السلطنة الدنيا و الدین در هر دو کتاب مکرر ذکر شده است.

باب سوم و چهارم *فراید غیائی* با طبقه‌ای اشرف *مخزن الانشا* همسان است. در این باب‌ها همچون *مخزن الانشا* نامه‌های مربوط به سادات، نقبا و قضات آمده است. قابل ذکر است صفاتی مانند سلطان النعبا، ناصح الملوک و ناظم امور در هر دو کتاب تکرار شده‌اند. همچنین باب پنجم *فراید* هم‌تراز طبقه‌ای اوسط در *مخزن الانشا* است. و عبارات مشابه در این قسمت نیز فراوان است.

در کل مخاطبان نامه‌ها در هر دو کتاب یکی هستند و بر اساس رتبه و جایگاه افراد از سلاطین تا افراد عادی جامعه به ترتیب در طبقات مختلف آمده‌اند. با وجود عبارات خاص هر طبقه، نحوه تقسیم‌بندی دو کتاب متفاوت است.

نتیجه‌گیری

با تعریفی که از *مخزن الانشا* درباره‌ی ارکان نامه‌ها داشتیم و تطبیق آن در نامه‌های *فراید* غیائی و تنظیم آن‌ها در جداول مشخص، دریافتیم که ساختار مطرح شده در *مخزن الانشا* در

نامه‌های دوران کاشفی و ماقبل آن قابل مشاهده است، ضمن آن که تقسیم بندی کاشفی می‌تواند کمبود نامه‌های موجود در *فراید غیائی* و سایر مکاتیب بازمانده از گذشته را نشان دهد. از سوی دیگر با توجه به شباهت مثال‌های مطرح شده در *مخزن الانشا* با نامه‌های *فراید غیائی* و تکرار عینی برخی از عبارات در هر دو کتاب همچنین مخاطبان مشترک و طبقات اجتماعی یکسان مندرج در هر دو کتاب، با توجه به سبقت حدود هشتاد سال *فراید غیائی*، شاید بتوان آن را یکی از مآخذ و منابع مهم کاشفی در تحریر کتاب *مخزن الانشا* دانست، هرچند که کاشفی در کتاب خود از *فراید غیائی* نام نبرده و دستور *الکاتب نخجوانی* (قرن ۸ ق.) تنها کتابی است که در حیطه نگارش از آن یاد کرده است. در کل کاشفی در کتاب فرهنگ‌گونه خویش، به نوعی ساختار و ارکان نامه‌نویسی در ادوار گذشته را بیان کرده و با آوردن نمونه‌های متنوع از کتاب‌ها و نامه‌های گذشتگان، علاوه بر آن که راه ساده‌تری را برای منشآت نویسی آیندگان پس از خود گشوده است، به ما نیز کمک می‌کند تا نقایص نامه‌های موجود از گذشته را باز یابیم.

یادداشت‌ها

۱. نظام الحقیقه ... الرعایا / نظم‌دهنده حقیقت و طریقت و دین - علیشیر - که خدای تعالی تراوش عواطفش را بر مردم جاودان دارد و احوال بخشایشش را بر عامه مردم ابدی گرداند.
۲. والله ... السبیل / سخن حق از آن خداست و اوست که راه را می‌نماید (احزاب، ۳۳ / ۴)؛ هوالله ... هو / اوست خدایی که غیر او معبودی نیست (حشر، ۲۲ / ۵۹).
۳. بقیت ... الاسافل / در دنیا باقی مانی و قلب تو کعبه‌ای است که دور آن افراد بلندمرتبه و پست طواف می‌کنند.
۴. ان الله ... الاحسان / همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد (نحل، ۹۰ / ۱۶).

کتابنامه

- اکرامی، محمود. (۱۳۷۸). «مخاطب شناسی در قصاید ابن حسام خوسفی». *خراسان پژوهی*. ش ۴. مشهد: مرکز خراسان شناسی. سال دوم شماره دوم.

- بهاء‌الدین بغدادی، محمد بن مؤید. (۱۳۸۵). *التوسل الی الترسل*. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: اساطیر. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). *در سایه آفتاب*. تهران: سخن.
- خاقانی، بدیل بن علی. (۱۳۴۹). *منشآت خاقانی*. تصحیح محمد روشن. تهران: دانشگاه تهران.
- خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). *فن نثر در ادب پارسی*. ج اول. تهران: زوار.
- خوافی، احمد. (۱۳۵۷). *منشأ الانشا*. اثر قلم عبدالواسع نظامی. به اهتمام همایون فرخ. جلد اول. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- گاوان، عمادالدین محمود. (۱۳۲۷/۱۹۴۸). *ریاض الانشا*. تصحیح چاند بن حسین. به اهتمام غلام یزدانی. حیدرآباد.
- _____ . (۱۳۸۱). *مناظر الانشا*. تصحیح معصومه معدن‌کن. تهران: آثار.
- مبیدی، حسین بن معین‌الدین. (۱۳۷۶). *منشآت میبیدی*. تصحیح نصرت الله فروهر. تهران: نقطه و میراث مکتوب.
- واحد، اسدالله. (۱۳۷۸). *منشآت نویسی در زبان فارسی از آغاز تا انجام*. رساله دکتری به راهنمایی دکتر سیدرضا انزابی‌نژاد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- واعظ کاشفی، حسین. (۹۰۷). *مخزن الانشا*. نسخه خطی موجود در آرشیو ملی کابل - افغانستان.
- ولک، رنه؛ وارن، اوستن. (۱۳۷۲). *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسف اهل، جلال‌الدین. (۱۳۵۶/۲۵۳۶). *فراید غیائی*. تصحیح حشمت مؤید. جلد یکم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (۱۳۵۸). *فراید غیائی*. تصحیح حشمت مؤید. جلد دوم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.